

فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی (پژوهش‌های زبان و ادبیات عربی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه رازی کرمانشاه
سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۱ هـ. ش / ۱۴۳۲ هـ. ق / ۲۰۱۲ م، صص ۴۵-۵۹

گزارشی از حافظ پژوهی در ادب عربی*

تورج زینی‌وند

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی

عطا الماسی

کارشناس ارشد ادبیات تطبیقی، دانشگاه رازی

چکیده

آوازه و تأثیر شعر خواجه شیراز تنها به ایران و ادب فارسی محدود نمی‌شود، بلکه در سرزمین‌های دیگر، از جمله جهان عرب، نیز بازتاب گسترده‌ای داشته است؛ این نوشتار، بر آن است تا به معرفی توصیفی - تحلیلی پژوهش‌های ادب عربی و جهان عرب درباره حافظ و در برخی موارد به نقد دیدگاه‌های آنها بپردازد؛ و همچنین تلاش می‌کند که بر اساس مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی به بررسی میزان و گستره حافظ پژوهی در ادب عربی و جهان عرب و نیز اثر گذاری شعر و اندیشه حافظ را بر ادب عربی، به ویژه ادب عربی معاصر، بررسی کند.

یافته‌های اساسی این جستار در این است که پژوهش‌های حافظ‌شناسی در ادب عربی و جهان عرب در چهار حوزه، انجام شده است: ۱. کتاب ۲. ترجمه ۳. مقاله ۴. پایان‌نامه.

افزون بر این، نویسندگان پژوهش‌های ذکر شده، بیشتر با نگاهی مثبت و موازی و به دور از فرانگری یا فرونگری به تحلیل شعر حافظ پرداخته‌اند و شعر و شخصیت حافظ بر اندیشه برخی از بزرگان و معاصران ادب عربی از جمله: الشّواری، طه حسین، سید قطب، البیاتی، الصّاوی و... نیز تأثیر گذار بوده است.

واژگان کلیدی: حافظ، ادب عربی، جهان عرب، ادبیات تطبیقی، تصویرشناسی.

۱. پیشگفتار

پیوند فرهنگی و ادبی ایرانیان و عرب‌ها به دلایل دینی و سیاسی، پیوندی دیرینه و ریشه‌دار است؛ این دو قوم در گذر تاریخ، داد و ستدهای فرهنگی و ادبی بسیاری با هم داشته‌اند. همین امر، موجب شده است که پژوهشگران عرب، تلاش‌هایی در خدمت به زبان و ادب فارسی انجام دهند و شاعران بزرگ ایرانی و آثارشان را به دنیای عرب معرفی کنند. یکی از شاعران بزرگ ادب فارسی که در اواسط قرن بیستم، مورد توجه این پژوهشگران قرار گرفت، حافظ شیرازی، شاعر بلندآوازه ادب عرفانی در قرن هشتم بوده است.

در این زمینه، عمده‌ترین پژوهش‌ها و تلاش‌ها از آن مصری‌ها می‌باشد و دلیل آن هم به خاطر سابقه طولانی تمدن آنها و دیرینگی وجود مراکز علمی در این کشور و گرایش اندیشمندان آن سرزمین به شعر عرفانی، به ویژه شعر حافظ، بوده است.

پژوهش‌های صورت گرفته در جهان عرب و ادب عربی شامل، تألیف، ترجمه، مقاله‌های گوناگون و پایان‌نامه‌های دانشگاهی بوده است؛ اولین گام در این زمینه، توسط «ابراهیم امین الشواربی» مصری برداشته شد؛ تألیف کتاب درباره شعر و شخصیت حافظ و همچنین ترجمه دیوان حافظ توسط وی، نقطه عطفی در آغاز این پژوهش‌ها بود که فصلی تازه برای شناخته شدن حافظ در میان عرب‌ها گردید. دیوان حافظ پس از این ترجمه، در مقطعی از پر فروش‌ترین کتاب‌ها در جهان عرب شد.

پیش از پردازش موضوع، لازم است که ذکر شود: نگارندگان بجز یک مورد (آینه‌وند، ۱۳۸۳: ۱۰۸) به پژوهشی دیگر در این زمینه دست نیافته‌اند. نامبرده به گونه‌ای مختصر به معرفی شش نفر از پژوهشگران عرب پرداخته است که در زمینه شعر و اندیشه حافظ به پژوهش پرداخته‌اند و سپس به شیوه‌ای ایجاز گونه، دیدگاه‌های آنها را درباره حافظ نقل کرده است.

اما تفاوت‌ها و نوآوری‌های این پژوهش با چنین پژوهش‌های مشابه، عبارتند از:

۱. معرفی بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته درباره حافظ از آغاز تا کنون.
 ۲. بیان دیدگاه‌های این پژوهشگران درباره حافظ و در برخی موارد نقد آنها.
 ۳. تحلیل چگونگی تأثیرگذاری شعر و اندیشه حافظ بر ادب عربی، به ویژه ادب عربی معاصر.
- اما دو پرسش اساسی این جستار نیز عبارتند از:

۱. اندیشهٔ حافظ‌شناسی در ادب عربی چگونه آغاز شده است؟ ۲. نگاه پژوهشگران عرب به حافظ و شعرش، چگونه است؟

فرضیهٔ اساسی که این نوشتار بر آن بنا شده است، نیز چنین می‌باشد: دیدگاه بیشتر پژوهشگران عرب، نسبت به شعر و شخصیت حافظ، متعادل است. هر چند که برخی از این پژوهشگران دربارهٔ اندیشه و زبان شعر حافظ، اختلاف‌های نظری دارند.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۱-۲. ترجمه‌ها

۱-۱-۲. الأغانی شیراز

جهان عرب برای نخستین بار، در سال (۱۹۴۶) به وسیلهٔ یکی از ادیبان مصری به نام «ابراهیم امین الشّواری» با غزلیات حافظ آشنا شد. این ترجمه که به سفارش «طه حسین» ادیب نامدار مصری صورت گرفت، با استقبال فراوان عرب‌ها مواجه شد. طه حسین در مقدمهٔ الأغانی شیراز به اهمیت و ضرورت وجود این ترجمه اشاره می‌کند. الأغانی شیراز، باعث غنی‌تر شدن ادب معاصر عربی شد و طیف‌های گوناگونی از شعور و تفکر زاینده را در خوانندگان عرب ایجاد نمود و برای نخستین بار، دروازه‌های احساس، شعور و اندیشهٔ نوینی را فراروی ایشان گشود. (ر. ک: الشّواری، ۱۹۴۶: ۷)

همان‌طور که اشاره شد؛ این ترجمه با مقدمهٔ طه حسین آغاز می‌شود و شامل دو باب است. شواربی در باب اوّل و دوّم به ترتیب موضوعاتی را طبقه‌بندی کرده است و برای هر کدام شرح و توضیحی آورده است: باب اوّل: معرفی حافظ، خبّاز و حافظ، لسان الغیب و ترجمان الأسرار، عصر حافظ، فلسفهٔ حافظ، موضوعات شعر حافظ. باب دوّم: معرفی دیوان حافظ شیرازی، فصل اوّل: چاپ‌های شرقی و غربی دیوان حافظ، فصل دوّم: ترجمهٔ دیوان حافظ به زبان‌های خارجی، شرح‌های ترکی بر دیوان حافظ، ترجمه‌های اروپایی. فصل سوّم: معرفی ترجمهٔ شواربی از دیوان حافظ شیرازی براساس نسخه‌ای از انتشارات عبدالرحیم خلخالی، الغزلیات، تشبیب، غزل و طریقهٔ ادای آن توسط حافظ، نظرها و دیدگاه‌های شارحان شعر حافظ، شیوهٔ ترجمهٔ عربی دیوان حافظ، ملحق به غزلیات حافظ، ترجمهٔ غزلیات حافظ و در پایان ترجمهٔ ساقی‌نامه‌ها. قسمتی از این ترجمه به نظم و بخش بیشتر آن به نثر است، تعداد این سروده‌ها به (۴۹۶) قطعه می‌رسد که ترجمهٔ آنها حدود دو سال طول کشیده است: آغاز آن در سال (۱۹۴۴) و پایانش (۱۹۴۶) بوده است.

حافظ از نظر گاه مترجم، شاعری «عصیانگر» است که نه به چیزی توجه دارد و نه از کسی می‌ترسد. وی با اینکه می‌دانست سخنانش، مردم را شیفته و دیوانه خود ساخته است، اما به این مسأله، اهمیت چندانی نمی‌دهد. او هنرمندی است که می‌خواهد روح و اندیشه خودش را پیش از دیگران راضی نگه دارد، او رزم‌آوری است که در مسیر خویش با شور و هیجان گام برداشته است و بیابان زمان را گاهی با شکیبایی و زمانی با فریاد مستانه طی می‌نماید. او بسان جباری است که همواره می‌غرّد و می‌خروشد و زنگ آگاهی را در گوش‌ها می‌نوازد. (قطب، ۱۹۸۳: ۶۷)

مقایسه میان ترجمهٔ منثور و منظوم غزلیات، نشان می‌دهد که در ترجمهٔ منظوم، هدف شاعر بسیار مشکل ارائه شده است و از حقیقتی که تا حد امکان در ترجمهٔ منثور چهره می‌نمایاند، به صورت آشکار دوره مانده است. (همان: ۷۲)

نمونه‌ای از ترجمهٔ شواربی از غزل نخست:

«یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور
یوسف المفقود فی اوطانه لا تحزنن
کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور
عائد یوماً الی کنعانه لا تحزنن

(شواربی، ۱۹۴۶: ۲۵۸)

۲-۱-۲. روائع الأدب الفارسی

در سال (۱۹۶۰) کتاب *روائع الأدب الفارسی* (شاهکارهایی از ادب فارسی) توسط «محمد الفراتی» شاعر و ادیب سوری به چاپ رسید^(۱) این کتاب ترجمه‌ای از اشعار سه شاعر بزرگ ایران، سعدی، حافظ و مولوی است. «عمر فروخ» در کتاب *تاریخ الأدب العربی* نمونه‌هایی از ترجمهٔ محمد الفراتی را نقل کرده است که شعر زیر ترجمهٔ بیت اول از غزل نخست حافظ می‌باشد:

«ألا یا ایها الساقی ادرکأساً وناولها
أدر کأساً وناولها
فإنّ الکأس للمدو
قد أستسهلتُ اولی العیش
که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکله‌ها
ألا یا ایها السّاقی
غ بالعشّق هو الرّاقی
ق فأتمّلت علی قلبي

(فروخ، ۱۹۸۴: ۸۱۷-۸۱۸)

۳-۱-۲. دیوان العشق

«صلاح الصّاوی» یکی دیگر از ادیبان مصری است که در سال ۱۹۸۹ م. به ترجمهٔ منظوم شماری از غزلیات حافظ به نام «دیوان العشق» پرداخته است. وی حدود (۳۰) سال در ایران زندگی کرد و به خاطر

همین اقامت طولانی، توانست به زبان فارسی چیرگی پیدا کند و همچنین با حافظ، شعر و عرفان او آشنا شود. افزون بر این، زندگی در قم و رفت و آمد با حوزه و عالمان دینی، موجب آشنایی بیشتر او با عرفان اسلامی شد، همه این عوامل سبب گرایش وی به ترجمه غزلیات حافظ گردید. او در ابتدای ترجمه، تلاش می‌کند شخصیت، افکار و غزلیات حافظ را به مخاطب بشناساند. به اعتقاد صلاح الصّاوی، دیوان حافظ، «تفسیر عرفانی قرآن» است و او توانسته است که معانی و تفاسیر قرآنی را به صورت ماهرانه در شعر خود بیاورد. در نظرگاه الصّاوی، غزل‌های حافظ، انعکاس حقایق شهودی است؛ به نحوی که شعر او فراتر از آن است که به وسیله الفاظ، تعبیر و تفسیر شود. (الصّاوی، ۱۹۸۹: ۲۵) دیوان العشق با مقدمه «محمد حسین مشایخ فریدنی» و یادداشت‌هایی از «بهاء الدین خرمشاهی و غلامرضا اعوانی» شروع می‌شود و سپس قصیده «الحانة الخضراء» را برای حافظ شیرازی می‌سراید. وی پیش از آغاز ترجمه، دیدگاه‌های خود را در مورد حافظ و غزلیات وی به همراه تفسیر عرفانی و بلاغی تعدادی از ابیات او می‌آورد سرانجام نیز (۳۰) غزل از حافظ را به صورت نظم عربی در این دیوان نقل می‌کند.

شعر زیر، ترجمه‌ای از غزل نخست حافظ است:

أدرکأساً وناولها ید العشاق یا ساقی
ترائی العشق سهلاً بادنأ واستشکل الباقي

(الصّاوی، ۱۹۸۹: ۲۲۶)

۲-۱-۴. شیرازیات

«محمدعلی شمس‌الدین» شاعر لبنانی، در سال (۲۰۰۵) پاره‌ای از غزلیات حافظ شیرازی را به نام «شیرازیات» به نظم عربی درآورده است. خواندن دفتر شعر کوچک (۲۰) صفحه‌ای به نام «سبوی عشق» نوشته «امام خمینی (ره)» باعث آشنایی او با حافظ و زمینه‌ای برای آغاز ترجمه (۷۵) غزل حافظ، به عربی شد.

وی قبل از آغاز ترجمه در مقدمه کتاب *حلقه الوصل*، شیوه ترجمه و همچنین دیدگاه‌های خود را در مورد حافظ بیان می‌کند. سبک ترجمه این شاعر لبنانی، براساس مفاهیم و مضامین عشقی، وحدت وجود، شراب الهی و مضامین دیگری است که در آن واحد، نزد حافظ و هر شاعر عاطفی و احساسی وجود دارد؛ ولی توصیف آنها در شعر دشوار است، کار وی در حقیقت، تعریب غزلیات حافظ می‌باشد. او اشعار عربی سروده خود را در مقابل اشعار فارسی حافظ، با رعایت و حفظ روح شعر

سروده است. حافظ از دید مترجم، شاعر بزرگ عرفان اسلامی است که در روزگار کنونی و بعد از گذشت قرن‌ها از ظهورش، ضرورت حضور اسلامی و روشنگرانه او در رویارویی با فرهنگ آمریکایی - صهیونیستی احساس شده است اشعارش ثابت می‌کند که اسلام، آیین عشق، دوستی و آزادگی است. (به نقل از: علی محمدی، ۱۳۸۵: ۸۲-۸۷)

۲-۱-۵. حافظ شیرازی بالعربیة شعراً

«عمر شبلی» نیز از جمله کسانی است که در سال (۲۰۰۷) بخشی از دیوان حافظ را به نام حافظ شیرازی بالعربیة شعراً ترجمه نموده است. او در گذشته یکی از اعضای برجسته حزب بعث عربی شاخه لبنان بود که برای دفاع از ایدئولوژی حزب بعث در کنار ارتش عراق علیه ایران وارد جنگ شده بود و توسط نیروهای ایرانی به اسارت در آمد. عمر شبلی در مدت (۱۹) سال اسارت در ایران، ایات و غزل‌های مختصری از دیوان حافظ را ترجمه کرد، اما وقتی به کشورش لبنان تحویل داده می‌شود؛ ترجمه کل دیوان را شروع می‌کند و بخش اول را در سال (۲۰۰۷) به چاپ می‌رساند وی ترجمه خود را با مقدمه‌ای نسبتاً طولانی تحت عنوان «قصتی مع حافظ الشیرازی» آغاز می‌کند و طی آن عشق و علاقه خود را نسبت به این شاعر بلندآوازه ابراز می‌دارد و در ادامه به شکل خلاصه‌ای، شیوه ترجمه خود را از شعر حافظ برای خواننده، توضیح می‌دهد.

«آنچه مرا تشویق کرد دست به این ترجمه بزنم، احساس وابستگی من و حافظ شیرازی به تمدن و فرهنگ واحدی است که آن تمدن و فرهنگ اسلامی است و هدف من از این ترجمه، بیان ماندگاری و عظمت فرهنگ، در مقابل سلاح و نجات انسان به وسیله فرهنگ می‌باشد». (شبلی، ۲۰۰۷: ۱۲)

او معتقد است: حافظ هنوز هم مربوط به آینده است و حتی جلوتر از شاعران امروزی است؛ بنابراین، شعر چنین شاعری باید به نسل‌های امروزی منتقل شود. (همان: ۷)

به نظر می‌رسد، شبلی در دوران اسارت با تمدن و فرهنگ ایرانی آشنا می‌شود و ارادت خاصی به ایران و فرهنگ آن پیدا می‌کند؛ به همین خاطر، چندین بار در مقدمه به غزل «ألا یا أيها السّاقی» اشاره می‌کند و آن را به فرماندهان اردوگاه محل اسارتش تقدیم می‌کند.

نمونه‌ای از ترجمه عمر شبلی از غزل نخست حافظ:

ادر کأساً وناولها الا یا ایها السّاقی	بدأ أنّ الهوی سهالاً باوله لعشاقی
ولکن عندما وقعت مشکاکله غدا صعباً	ولم ینجوا سوی تعب وآهات وارهاق

فخذ سجادة التقوى و غسلها بصهاء

فما شيخ مجوسي اذا أفضى بخطا

(همان: ۱۵)

۲-۲. تألیفات

در این بخش از پژوهش به معرفی کتاب‌های عربی می‌پردازیم که یا به شکل مستقل متوجه حافظ، اهمیت فکر و غزلیات او بوده‌اند و یا در ضمن پژوهش‌ها به شعر و شخصیت حافظ اشاره کرده‌اند؛

۲-۲-۱. حافظ الشیرازی شاعر الغناء والغزل فی ایران (۱۹۴۴)

ابراهیم امین الشواری در ابتدای این کتاب به بررسی و تحلیل شرایط سیاسی، اجتماعی و تاریخی عصر حافظ شیرازی می‌پردازد و در ادامه، تأثیر این شرایط را بر عرصه ادب و شعر قرن هشتم بیان می‌کند و همچنین زندگی‌نامه شاعر را به صورت مفصل نقل می‌نماید. وی گرایش‌های شعری، خصوصیت سبک ادبی و مضمون‌های فلسفی دیوان حافظ را تحلیل می‌کند و ارتباط معنایی برخی از اشعار ملمع حافظ را با اشعار عربی بیان می‌کند و در پایان برخی از این غزل‌ها را نیز ترجمه می‌کند.

۲-۲-۲. الكلمات والمصطلحات العربية فی أشعار حافظ الشیرازی (۱۹۷۲)

«امین علی موتابحی» در ابتدای این کتاب به بررسی کلمات و تعبيرات مشترک موجود در دیوان حافظ شیرازی و زبان عربی به ویژه قرآن کریم می‌پردازد و در ادامه، ضمن معرفی حافظ، مختصری از زندگی‌نامه او را بیان می‌کند و در پایان برخی از موضوعات شعر حافظ شیرازی را برای مخاطب نقل و تحلیل می‌نماید.

۲-۲-۳. الموسوعة الإسلامية (۱۹۷۵)

«حسن الأمین» ادیب و نویسنده لبنانی در دایرة المعارف اسلامی (الموسوعة الإسلامية) از حافظ به عنوان شاعر غنایی نام می‌برد و او را یکی از بزرگترین شاعران ایرانی می‌داند و سپس به شکل مختصری به ولادت، عصر حافظ، شعر، مکان زندگی و وفات او اشاره می‌کند.

۲-۲-۴. المنجد فی الأعلام (۱۹۸۰)

این فرهنگ اعلام در پاریس توسط شماری از عالمان عرب نوشته شده است در مدخل (ح) حافظ را شاعری غنایی معرفی می‌کند که بیشتر اشعار او در وصف طبیعت، عشق و محبت است.

۲-۲-۵. التصوف فی الإسلام (۱۹۸۱)

«عمر فروخ» نویسنده لبنانی در کتاب التصوف فی الإسلام دو صفحه را به معرفی حافظ شیرازی اختصاص می‌دهد. او حافظ را یکی از بزرگترین شاعران ایرانی می‌داند و به مضامین عرفانی شعر

حافظ اشاره می‌کند و سپس بیان می‌کند که ایرانیان با القاب و عناوین «لسان الغیب» و «ترجمان الأسرار» از او یاد می‌کنند.

۲-۲-۶. تاریخ الأدب العربی (۱۹۷۹)

عمر فروخ، در کتاب دیگری با نام تاریخ الأدب العربی، در ضمن شش صفحه (۸۱۴-۸۲۰) به مقام و منزلت ادبی و عرفانی حافظ اشاره می‌کند. وی ابتدا به بررسی مختصری از حکومت ایلخانان ایران و آل مظفر در شیراز می‌پردازد و در ادامه، شرایط زندگی حافظ و محیط علمی و اجتماعی آن دوره را توصیف می‌کند و سپس شعر و سبک ادبی این شاعر را تحلیل می‌نماید و چنین نتیجه می‌گیرد که حافظ می‌تواند با شعرش بر عواطف انسانی مخاطبان تسلط پیدا کند. از دید عمر فروخ، نشانه‌های عزت الهی در شعر حافظ نمودار می‌شود و در پایان با اشاره به تفأل زدن ایرانیان به دیوان حافظ، نمونه‌هایی از شعر او را نقل می‌کند.

۲-۲-۷. السیر الأدبی (۱۹۸۶)

یکی دیگر از نویسندگان عرب «اسعد علی» اهل کشور سوریه است که در کتاب السیر الأدبی، ادب و عرفان حافظ را به خوانندگان معرفی می‌کند، اسعد علی در آغاز کتاب، بخشی را با دوره سعدی شیرازی شروع می‌کند تا به حافظ شیرازی می‌رسد و سپس مطلبی تحت عنوان (تحیة الحافظ) را در وصف این شاعر توانای ایرانی می‌آورد. وی درباره حافظ معتقد است که شعر حافظ پر از رمز و راز و معانی ژرف است که به وسیله آنها به بندگی خود در برابر خداوند اعتراف می‌کند.

۲-۲-۸. حافظ شیرازی شاعر العشق والعرفان (۲۰۱۲)

«أحمد الطویلی» نویسنده اهل کشور تونس در این کتاب (۱۱۷) صفحه‌ای به بررسی و تشریح موضوع عشق و عرفان در اشعار حافظ شیرازی می‌پردازد، قابل ذکر است این کتاب به همت ریزنی فرهنگی ایران در کشور تونس به چاپ رسیده است، افزون بر این، وی قبلاً در سال (۲۰۱۰) کتابی هم با موضوع خیام نوشته است.

۲-۳. مقاله‌ها

تلاش می‌شود در این بخش از پژوهش برای جلوگیری از اطالۀ کلام تنها به معرفی عنوان مقاله‌های عربی که موضوع آنها با حافظ شیرازی در ارتباط است، پرداخته شود؛ اهتمام به رویکردهای تطبیقی ویژگی بارز این جستارها می‌باشد. هرچند لازم است گفته شود، بیشتر این پژوهش‌ها از نظرگاه روش تحقیق در قلمرو ادبیات تطبیقی، دارای کاستی‌ها و چالش‌های بنیادینی می‌باشند:

۱. ابراهیم حسین، سید قطب (۱۹۸۳)، «نفحات من فارس - اغاني شیراز»، کتب و شخصیات، صص ۶۱-۷۲.
۲. آذرشب، محمدعلی (۲۰۱۰)، «حافظ الشیرازی وأدباء إيرانيون آخرون في دراسات سيد قطب، ثقافتنا»، الدراسات والبحوث، صص ۱۵۵-۱۷۶.
۳. سبزیان پور، وحید و محمد رضا سوری (۱۳۸۷)، «مقایسه مضامین تغزلی مشترک بین متنبی و حافظ»، مجله کاوش نامه یزد، سال نهم، ضمیمه و یژنامه عربی، شماره ۱۸، صص ۹۹-۱۳۹.
۴. مهدی، عبدالکریم و علی لازم (۱۳۸۸)، «اثر العربي في شعر حافظ الشیرازی»، مجله الدراسات الإيرانية، صص ۱۱۷-۱۳۱.
۵. شریف عسکری، محمد صالح و عیسی زارع درنیانی (۱۳۸۹)، «تجلی عرفان در شعر ابن فارض مصری و حافظ شیرازی»، پژوهشنامه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، سال اول، شماره اول، صص ۱۳۹-۱۵۸.
۶. قطا، فرید (۲۰۱۲)، «سیره حافظ الشیرازی و تقدیم الديوان»، المؤتمر الدولي في تونس.
۷. رمضان، صادق (۲۰۱۲)، «الإنسان في نظر حافظ الشیرازی: الفرد والمجتمع في أشعاره»، المؤتمر الدولي في تونس.
۸. عثمانی، یوسف (۲۰۱۲)، «الرمز والدلالة في شعر حافظ الشیرازی»، المؤتمر الدولي في تونس.
۹. موسی، احمد (۲۰۱۲) «تیمه الحب في شعر حافظ الشیرازی»، المؤتمر الدولي في تونس.
۱۰. العییدی، مختار (۲۰۱۲)، «أساليب القول الشعرية عند حافظ الشیرازی»، المؤتمر الدولي في تونس.
۱۱. ضیایی، مهدی (۲۰۱۲)، «یدعمنا حافظ السعيد، حلّ مشاكل عصرنا الجديد»، المؤتمر الدولي في تونس.
۱۲. محبوب، حذامی (۲۰۱۲)، «العشق طريق إلى اليقين»، المؤتمر الدولي في تونس.
۱۳. آذرشب، محمدعلی (۲۰۱۲)، «التوجه الإحيائي في خطاب حافظ الشیرازی»، المؤتمر الدولي في تونس.
۱۴. حمادة، سديف (۲۰۱۲)، «ثنائية الأنا والغيب في شعر حافظ الشیرازی»، المؤتمر الدولي في تونس.
۱۵. الإدريسي، فرحات (۲۰۱۲)، «الكون الفكري في عالم حافظ الشیرازی»، المؤتمر الدولي في تونس.
۱۶. الكبسي، محمدعلی (۲۰۱۲)، «قراءة هرمنوطيقية في ديوان حافظ الشیرازی»، المؤتمر الدولي في تونس.
۱۷. محمد روهي برندق، كاووس (۲۰۱۲)، «الكرامة الإنسانية من وجهة نظر حافظ الشیرازی وأثرها في المجتمعات الإسلامية والعالمية»، المؤتمر الدولي في تونس.
۱۸. التداوي، نزار (۲۰۱۲) «حافظ الشیرازی: لسان الغيب نفعات ونظرات»، المؤتمر الدولي في تونس.
۱۹. میرزایی، فرامررز و ابوالفضل رحمتی (۱۳۹۰)، «انعكاس الغزليات حافظ الشیرازی في ملحمة الخرافيش (نجيب محفوظ)»، همایش حافظ در دانشکده زبان های خارجی ایران، دانشگاه تهران.
۲۰. سلیمی، علی و فاروق نعمتی (۱۳۹۰)، «عرفان حافظ الشیرازی في الغزل سيد قطب»، همایش حافظ در دانشکده زبان های خارجی ایران، دانشگاه تهران.

۲۱. زهره‌وند، سعید (۱۳۹۰)، «عشق و مستی در شعر ابن‌فارض و حافظ»، فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی کرمانشاه، سال اول، شماره ۳، صص ۵۱-۸۲.

۴-۲. پایان‌نامه‌ها

در این بخش، تنها به معرفی عنوان پایان‌نامه‌های مرتبط با حافظ شیرازی و ادب عربی بسنده می‌شود؛ مشخصه بارز این پژوهش‌ها، رویکرد تطبیقی آنها می‌باشد:

۱. تأثیر نهج البلاغه و کلام امیرالمؤمنین علی (ع) در شعر فردوسی، سنایی، سعدی، حافظ و... (۱۳۷۵)، نگارنده: محسن رایبی، استاد راهنما: جلیل تجلیل، دانشگاه تهران.

۲. مقایسه اشعار غزلی متنبی با غزلیات حافظ شیرازی (۱۳۸۴)، نگارنده: محمدرضا سوری، استاد راهنما: وحید سبزیان پور، دانشگاه رازی کرمانشاه.

۳. واژگان عربی در فارسی با تکیه بر اشعار حافظ و سعدی (۱۳۸۷)، نگارنده: نرجس سلیمی، استاد راهنما: علیرضا محمدرضایی، دانشگاه تهران.

۴. تطبیق اصطلاحات عرفانی میان ابن‌فارض و حافظ شیرازی (۱۳۸۷)، نگارنده: نبی‌الله سرفراز، استاد راهنما: علی‌رضا فرقانی، دانشگاه آزاد بابل.

۵. بررسی و تحلیل نمونه‌هایی از ترجمه شعر فارسی به عربی: رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری ترجمه: احمدالصفافی نجفی، احمد حامد الصراف، ودیع الدبستانی. غزلیات حافظ شیرازی ترجمه صلاح الصاوی و ابراهیم امین الشواربی (۱۳۸۹)، نگارنده: نسیم الشدایده (رساله دکتری)، استاد راهنما: سید محمود انوار، دانشگاه تهران.

۶. نقد و بررسی کلی تر ترجمه دیوان حافظ شیرازی توسط امین الشواربی و ارائه ترجمه صحیح تر غزل اول (۱۳۸۹)، نگارنده: سیروان رحیمی، استاد راهنما: علیرضا محمدرضایی، دانشگاه تهران.

۵-۲. تأثیرپذیری شاعران معاصر عرب از حافظ شیرازی

در این قسمت از پژوهش برآنیم به بررسی گوشه‌ای از تأثیرپذیری برخی از شاعران معاصر عرب از جمله: سید قطب، عبدالوهاب البیاتی و نوری الجراح از حافظ شیرازی پرداخته و سپس میزان و گستره شعر و اندیشه حافظ شیرازی را بر روی این شاعران به صورت مختصر بیان کنیم. افزون بر این، در نوشته‌های برخی شاعران و نویسندگان عرب دیگری مانند محمد مهدی الجواهری، جمیل صدقی الزهاوی، نجیب محفوظ و... نشانه‌هایی از توجه آنها به شعرها و مضامین عرفانی حافظ نیز دیده می‌شود.

۱. سید قطب

یکی از چهره‌های شاخص و برجسته معاصر عرب که در دیوان شعرش، نشانه‌هایی از مضامین مشترک بین او و حافظ مشاهده می‌شود، سید قطب منتقد ادبی و متفکر اسلامی کشور مصر است. آشنایی او با حافظ شیرازی و غزلیات او از طریق *الأغانی شیراز* شواربی صورت گرفت: «ابراهیم» امین الشواربی فرصتی برای من و دیگر خوانندگان عرب مهیا نمود تا روزهای زیبا و پر میمندی را در کنار حافظ سپری نمایم، من با حافظ و سروده‌های روان، دلنشین و راستین او به جاودانگی پیوستم؛ جاودانگی‌ای که نه نارسایی‌های زندگی، نه اندوه روزگار و نه کینه‌های مردم آن را آشفته و مگدر نمی‌سازد. (قطب، ۱۹۸۳: ۶۱)

با نگاهی گذرا به دیوان سید قطب می‌توان مفاهیم مشترک فراوانی بین او و حافظ از جمله: عشق حقیقی، گذرا بودن دنیا و اصطلاحات عرفانی مشاهده نمود، اما آنچه بیش از همه نمود دارد دیدگاه نزدیک دو شاعر نسبت به عشق است؛ هر دوی آنها قائل به عشق حقیقی و آسمانی هستند که به نظر می‌رسد این تشابهات ناشی از آشنایی سید قطب با افکار و اندیشه‌های حافظ شیرازی می‌باشد و به احتمال فراوان، وی در بیان این درون‌مایه‌های شعری از حافظ تأثیر پذیرفته است. سید قطب زندگی را چیزی جز عشق، محبت پاک و به دور از هواهای پست شیطانی نمی‌داند و آن عشق، الهام و وحی خداوند است که در وجود آدمی به ودیعه گذاشته است. (رسول نژاد، ۱۳۷۹: ۱۷۶)

وهو وحی من جانب الله یوحی
ما أرى العیش غیر حبّ بری
وهو سـوالله فی الانسـان
من ذمیم الأهـواء والأردان
(همان)

به نظر می‌رسد، مضمون شعرهای ذکر شده، برگرفته از این غزل حافظ است:

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
خواب و خورت ز مرتبه خویشت دور کرد
تا کیمیای عشق بیابای و زر شوی
آنگه‌رسی به خویش که بی خواب و خور شوی
گر نور عشق حق به دل و جان اوفتد
بالله کز آفتاب فلک خویرتر شوی
(حافظ، ۱۳۷۳: ۶۶۵)

۲. عبدالوهاب البیاتی

از دیگر شاعران معاصر عرب که نشانه‌هایی از نفوذ اندیشه‌ها و تفکرات حافظ در اشعار او نمایان است «عبدالوهاب البیاتی» شاعر عراقی می‌باشد. روی آوردن او به مشرب اومانیسیم و عرفانی باعث توجه وی

به حافظ شیرازی و گروه دیگری از شاعران عرفانی ایران شد (جاسم، ۱۹۹۰: ۲۷). البیاتی چند ماهی پیش از مرگش به ایران مسافرت می‌کند و حاصل این سفر، تأمل در شعر حافظ شیرازی است که در قصیده‌ای با عنوان «بکائیة إلی حافظ الشیرازی» تبلور پیدا می‌کند، مروری بر متن قصیده و محتوای آن، نشان می‌دهد که البیاتی بعد از مطالعات فراوانی پیرامون حافظ با سبک و مشرب عرفانی او آشنا شده است (پاشا زانوس، ۱۳۹۰: ۳۵).

اشاره به اصطلاحات عرفانی چون خرقه، رهن، گرو، پیر می‌فروش، جامه و جام شکستن در قصیده بکائیة الی حافظ توسط البیاتی نشان از تأثیرپذیری این شاعر عراقی از حافظ شیرازی دارد؛ زیرا این واژه‌ها راز و رمزهای عرفانی هستند که در شعر حافظ با معانی ژرف خود به طور گسترده به کار رفته است (همان: ۴۰).

لم یبق فی الجرّة خمر

فاکسر القدح ولنرهن الخرقه عند سیدی الخمار

(البیاتی، ۲۰۰۰: ۲۶۹)

مضمون ذکر شده برگرفته از این غزل‌های حافظ می‌باشد:

خیز تا خرقه صوفی به خرابات بریم شطح و طامات به بازار خرافات بریم

(حافظ، ۱۳۷۳: ۵۰۷)

در همه دیر مغان نیست چو من شیدایی خرقه جایی گرو و باده و دفتر جایی

(همان: ۶۷۰)

۳. نوری الجراح

«نوری الجراح» یکی دیگر از ادیبان معاصر عرب است که از ادبیات و فرهنگ ایران از جمله حافظ شیرازی تأثیر پذیرفته است. وی اهل کشور سوریه می‌باشد و در میان شاعران سوری و عرب، شاعری نوگرا به شمار می‌آید که جایگاهی برجسته دارد، چراکه وی از فرهنگ‌های گوناگون بشری در سرودن شعر بهره فراوان جسته است. یکی از آثار نوری الجراح، *باغ‌های پارسی یا باغ ایرانی* است که به نظر می‌رسد وی آن را به خاطر تعلق خاطرش نسبت به فرهنگ ایران نوشته است؛ وی بخشی از این کتاب را که «گاهان» نام دارد، با الهام مستقیم از سه شاعر ایرانی: حافظ، مولوی و سعدی سروده است. رویکرد این تأثیرپذیری بیشتر معنوی و عرفانی می‌باشد.

نتیجه

۱. وجود ترجمه‌های متعدد از غزلیات حافظ شیرازی و همچنین تألیفات، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی گوناگون، پیرامون موضوع اشعار و ابعاد شخصیتی وی نشان‌دهنده این است که حافظ شیرازی به عنوان یک شخصیت ادبی - عرفانی در جهان عرب مورد توجه ادیبان و شاعران فراوانی از جمله: طه حسین، شواری، سید قطب، صلاح الصّاوی، عمر شبلی و... قرار گرفته است.
۲. به کار بردن تعبیر «تفسیر عرفانی قرآن» برای غزلیات حافظ از سوی صلاح الصّاوی و همچنین تأکید بر عرفان اسلامی حافظ توسط محمدعلی شمس‌الدین، عمر فروخ، احمد الطویلی و... بیانگر درک آنها از جایگاه و مشرب عرفانی حافظ شیرازی می‌باشد و چنین رویکردی در ترجمه‌ها و تألیفات به روشنی مشاهده می‌شود.
۳. استفاده از اصطلاحات عرفانی از جمله: عشق آسمانی، خرقه، می و... در اشعار شاعرانی چون البیاتی و سید قطب، نشان‌دهنده نفوذ و تأثیر اندیشه حافظ در ادب معاصر عربی می‌باشد و این امر، باعث آفرینش مضمون‌های نوینی در ادب عربی معاصر گردیده است.
۴. آشنایی با اندیشه‌های حافظ شیرازی موجب شد، دروازه‌های جدیدی از احساس و شعور عرفانی بر روی ادب معاصر عرب گشوده شود و شعر برخی شاعران عرب از دنیای مادی و رویکردهای غربی که در روزگار معاصر حاکم بوده است، فاصله بگیرد.

یادداشت‌ها

- (۱) با وجود تلاش‌های فراوان نگارندگان این پژوهش، دسترسی به کتاب ذکر شده، ممکن نبود.

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

۱. الامین، حسن (۱۹۷۵)؛ الموسوعة الإسلامية، الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲. البیاتی، عبدالوهاب (۲۰۰۰)؛ دیوان الأشعار، الطبعة الأولى، بیروت: دار العودة.
۳. جاسم، عزیز السید (۱۹۹۰)؛ الإلتزام والتصوف فی شعر عبدالوهاب البیاتی، الطبعة الأولى، بغداد: دائرة الشؤون الثقافية العامة.
۴. الجراح، نوری (۱۳۸۹)؛ باغ ایرانی، ترجمه کوتی، چاپ اول، تهران: افراز.
۵. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۳)؛ دیوان اشعار، تصحیح: خطیب رهبر، چاپ سیزدهم، تهران: صفی‌علیشاه.
۶. رسول‌نژاد، عبدالله (۱۳۷۹)؛ سید قطب و اشعار او، چاپ اول، تهران: احسان.
۷. سید قطب، إبراهیم حسین (۱۹۸۳)؛ کتب و شخصیات، الطبعة الثالثة، القاهرة - بیروت: دارالشروق.

٨. شبلي، عمر (٢٠٠٧)؛ *حافظ الشيرازي بالعربية شعراً*، الطبعة الأولى، بيروت: منشورات إتحاد الكتاب اللبنانيين.
٩. الشوّاري، إبراهيم أمين (١٩٤٤)؛ *حافظ الشيرازي شاعر غناء والغزل في إيران*، الطبعة الأولى، القاهرة: مطبعة المعارف ومكتبها.
١٠. ----- (١٩٤٦)؛ *الأغاني شيراز*، الطبعة الأولى، القاهرة: مطبعة المعارف ومكتبها.
١١. الصّاوي، صلاح (١٩٨٩)؛ *ديوان العشق*، الطبعة الأولى، طهران: التقايف.
١٢. الطّويلي، أحمد (٢٠١٢)؛ *حافظ شيرازي شاعر العشق والعرفان*، الطبعة الأولى، تونس.
١٣. علي، أسعد (١٩٨٦)؛ *السّير الأدبي*، الطبعة الأولى، باريس: الإتحاد العالمي للغة العربية.
١٤. فوّخ، عمر (١٩٧٩)؛ *تاريخ الأدب العربي*، ج ٣، الطبعة الأولى، بيروت: دارالعلم للملّيين.
١٥. ----- (١٩٨١)؛ *التصوّف في الإسلام*، الطبعة الأولى، بيروت: دارالكتب العربي.
١٦. *المنجد في الأعلام* (١٩٨٠)؛ الطبعة الأولى، بيروت: المطبعة الكاثوليكية.
١٧. موتاجي، أمين علي (١٩٧٢)؛ *الكلمات والمصطلحات العربية في أشعار حافظ الشيرازي*، الطبعة الأولى، بغداد.

ب. مجلّتها

١٨. آيينه‌وند، صادق (١٣٨٣)؛ «حافظ الشيرازي في كتابات الباحثين العرب»، *مجلة شيراز*، دانشگاه شيراز، صص ١٠٨-١١٢.
١٩. پاشازانوس، احمد (١٣٩٠)؛ «عبدالوهاب البياتي وحافظ شيرازي»، *فصلنامه لسان مبین*، دانشگاه بين‌المللي امام خميني (ره) قزوین، شماره ٣، صص ٢٨-٤٤.
٢٠. علي، محمد علي (١٣٨٥)؛ «في شيرازيات»، *نشرية كتاب ماه ادبيات و فلسفه*، شماره ٣، صص ٨٢-٨٧.

نبذة من الدراسات العربية حول حافظ الشيرازي*

توج زيني وند

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي

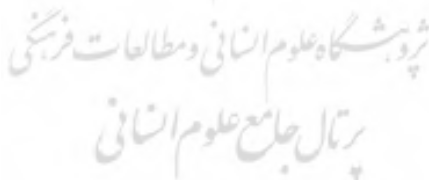
عطا الماسي

ماجستير الأدب المقارن، جامعة رازي

الملخص

لم تنحصر شهرة حافظ الشيرازي في إيران والأدب الفارسي فحسب، بل ذاعت صيته ودوت شهرته في سائر أقطار العالم بما فيها العالم العربي. يرمي هذا البحث إلى تقديم الدراسات الأدبية العربية التي تمت حول حافظ مع نقد الآراء أحياناً ويُعنى أيضاً بدراسة أثر حافظ وشعره في الدراسات الأدبية العربية وخاصة في الأدب العربي المعاصر مدى سعة هذه الدراسات. من أهم النتائج التي توصلنا إليها عبر هذا البحث هي: أنّ الدراسات التي أعدت حول حافظ في الأدب العربي برزت في أربعة حقول هي: الكتاب، الترجمة، المقالة والأطروحة الجامعية.

زد على ذلك أنّ تلك الدراسات تتسم بالرؤية المقارنّة والإيجابية والحيادية في تحليل شعر حافظ وشخصيته. وأنّ لحافظ وشعره تأثيراً في آراء كبار الأدباء المعاصرين العرب كالثوراني، طه حسين، سيد قطب، البياتي، الصّاوي... والكلمات الدلّيلية: حافظ (الشيرازي)، الأدب العربي، العالم العربي، الأدب المقارن، معرفة الصّور.





شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی